

تحلیل ویژگی‌های الگویی مؤمن آل فرعون در نظرگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی

محمد رضا زارع خورمیزی * | اسدالله مصطفوی **

چکیده

مؤمن آل فرعون یکی از شخصیت‌های برجسته قرآنی است که با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، الگویی ماندگار برای ایمان، تعهد و تقیه همراه با شجاعت در برابر ظلم را ارائه می‌دهد. این پژوهش با هدف تحلیل شخصیت، رفتار، و جایگاه وی، به تبیین ویژگی‌های اخلاقی، اجتماعی و معنوی او می‌پردازد. مسأله اصلی پژوهش این است که ویژگی‌های الگویی مؤمن آل فرعون، که در دل حکومت استبدادی فرعون، توانست نقشی تعیین‌کننده در دعوت به حق و مقابله با باطل ایفا کند، کدامند؟ روش پژوهش در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی بر مبنای بررسی آیات قرآن و مطالعه تطبیقی منابع تاریخی و تفسیری است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤمن آل فرعون با بهره‌گیری از تقیه آگاهانه و ایمان پنهان، در عین قرار داشتن در ساختار قدرت فرعون، شجاعانه و حکیمانه به هدایت جامعه اهتمام ورزید شجاعت وی در بیان حقیقت همراه با استدلال منطقی و دلسوزی برای سرنوشت جامعه، از او الگویی الهام‌بخش از تعامل میان ایمان، عقلانیت، و مسئولیت اجتماعی ارائه می‌دهد. نتایج تحقیق ثابت می‌کند زندگی و رفتار مؤمن آل فرعون بر مفاهیمی همچون ایستادگی در برابر استبداد، استفاده هوشمندانه از جایگاه اجتماعی، و بهره‌گیری از قدرت کلام و استدلال برای تغییرات مثبت استوار بوده و این شخصیت الگویی قرآنی علاوه بر پیام‌های الهام‌بخش در بستر تاریخی خود، برای جوامع معاصر نیز حاوی نکاتی کلیدی است و رفتار اجتماعی او نشان می‌دهد چگونه یک فرد با اتکا به ایمان و بصیرت می‌تواند حتی در سخت‌ترین شرایط، تأثیری عمیق و پایدار بر جامعه بگذارد.

کلیدواژه‌ها: مؤمن آل فرعون، حزقیل، حضرت موسی علیه السلام، فرعون، تقیه در امم پیشین.

* استادیار دانشکده علوم اسلامی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام. تهران. ایران. (khormizi@abu.ac.ir)
(نویسنده مسئول)

** استادیار دانشکده علوم اسلامی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام. (a.mostafavi@abu.ac.ir)
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶)

مقدمه

شخصیت‌های الگویی قرآنی نمونه‌های برجسته‌ای از ارزش‌ها، اخلاق و رفتارهای ایده‌آل هستند که می‌توانند راهنمایی‌های عملی و معنوی برای مؤمنان فراهم آورند. یکی از این شخصیت‌ها، مومن آل فرعون است که در آیات ۲۸ تا ۴۵ سوره مبارکه مومن (غافر) به‌طور مستقیم به او اشاره شده است. ضرورت این پژوهش درباره وی از آنجاست که به رغم این که در حدود ۱۷ آیه قرآن کریم به آن شخصیت پرداخته شده ولی نوشتاری که به صورت خاص به ارایه ویژگی‌های الگویی او اختصاص یافته باشد کمتر دیده می‌شود لذا هدف اصلی این مقاله، تحلیل دقیق شخصیت و شناسایی ویژگی‌های الگویی مومن آل فرعون بر اساس آیات قرآن کریم است که می‌تواند برای مؤمنان الهام‌بخش باشد. بر همین اساس مساله اصلی پژوهش این است که ویژگی‌های الگویی مومن آل فرعون در نظرگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی کدامند؟ و چگونه این ویژگی‌ها می‌توانند الگویی برای مؤمنان امروز و آینده باشند؟ فرضیه پژوهش بر این اساس است که مومن آل فرعون نمادی از ایمان راسخ، شجاعت در مقابل ظلم، مقاومت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است که می‌تواند الگویی مؤثر برای رفتار و اخلاق قرآنی باشد. همچنین انتظار می‌رود الگوسازی ویژگی‌های مومن آل فرعون در جامعه‌ی معاصر ما بتواند به ایجاد تغییرات مثبت کمک کند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در حوزه تفسیر قرآن و تحلیل رویدادهای قرآنی به بررسی ویژگی‌های شخصیت مومن آل فرعون پرداخته اند که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. احمد خزعل جاسم در مقاله خود با عنوان «فقه التفویض قصة مؤمن آل فرعون دراسة فكرية في القصص القرآنی» که در مجله «الجامعة العراقية» در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است، به بررسی جنبه‌های فکری و معنوی داستان مؤمن آل فرعون پرداخته است (خزعل جاسم، ۲۰۱۴، ج. ۳۲، ص. ۸۷-۱۰۸). وی در

این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه مؤمن آل فرعون با استفاده از استدلال‌های منطقی و فطری، توانسته است قوم خود را به پذیرش پیامبران الهی ترغیب کند و نقش کلیدی در حمایت از پیامبر موسی علیه‌السلام ایفا نماید. بخشعلی قنبری در مقاله «حزقیل» که در «دانشنامه جهان اسلام»، جلد ۱۳ در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است، به بررسی جامع شخصیت مؤمن آل فرعون پرداخته و او را به‌عنوان نمادی از ایمان، شجاعت و مقاومت اخلاقی معرفی کرده است (قنبری، ۱۳۸۸، ج. ۱۳، ص. ۵۳). قنبری با ارجاع به منابع تاریخی و روایات اسلامی، ویژگی‌های فردی و اجتماعی این شخصیت را تحلیل کرده و نشان می‌دهد که چگونه مؤمن آل فرعون با برخورداری از ویژگی‌های برجسته، می‌تواند الگویی مؤثر برای مؤمنان معاصر باشد. مصطفی رجب در مقاله «تربیه؛ قصه مؤمن آل فرعون و دلالاتها التربویة» که در مجله «الوعی الاسلامی» در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است، به بررسی ابعاد تربیتی داستان مؤمن آل فرعون پرداخته است (رجب، ۲۰۰۵، ص. ۵۶-۵۹). او استدلال می‌کند که داستان مؤمن آل فرعون نه تنها جنبه‌های معنوی و اخلاقی دارد، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تربیتی برای آموزش ارزش‌های اسلامی مانند توحید، عدالت و شجاعت در جامعه مورد استفاده قرار گیرد. عبدالکریم الخطیب نیز در مقاله «مؤمن آل فرعون» که در همان مجله «الوعی الاسلامی» منتشر شده، به تحلیل ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی مؤمن آل فرعون پرداخته و او را به‌عنوان نمونه‌ای از مقاومت در برابر ظلم و استبداد معرفی کرده است (الخطیب، ۲۰۰۵، ص. ۵۳-۵۹). الخطیب با استفاده از تفسیرهای قرآنی و روایات اسلامی، نشان می‌دهد که چگونه مؤمن آل فرعون با داشتن ایمان راسخ و شجاعت، توانسته است نقشی محوری در حمایت از پیامبران الهی ایفا کند و الگویی برای مؤمنان در مواجهه با چالش‌ها و فشارهای اجتماعی باشد. همچنین فروزان فر و خطیبی در مقاله «السمات الأسلوبیة فی قصة قرآنیة - قصة مومن آل فرعون نموذجاً» که در مجله «آداب الکوفه» در سال ۲۰۰۱ منتشر شده است، به بررسی ابعاد سبک‌نگاری و روایی در داستان

مؤمن آل فرعون پرداخته‌اند (فروزان فر و خطیبی، ۲۰۰۱، ج ۳۹، ص. ۴۳۳-۴۵۲). آن‌ها تحلیل می‌کنند که چگونه استفاده از ویژگی‌های ادبی و زبانی می‌تواند به تقویت پیام‌های اخلاقی و تربیتی الگویی در داستان‌های قرآنی کمک کند. یعقوب جعفری نیز در مقاله «مردی که از دورترین نقطه‌ی شهر آمد» که در مجله «درسهایی از مکتب اسلام» در مهر ۱۳۹۴ منتشر شده است، به بررسی ارتباط میان مؤمن آل فرعون و سایر شخصیت‌های دینی پرداخته است (جعفری، ۱۳۹۴، ش. ۶۵۳، ص. ۲۲-۲۸). او تحلیل می‌کند که چگونه شخصیت‌های مختلف دینی با ویژگی‌های مشترک در تقویت ایمان و مقاومت اخلاقی نقش‌آفرینی می‌کنند. فرج‌اللهی فر در مقاله «آینه عبرت: بنی اسرائیل در انتظار موسی (علیه السلام)» که در مجله «درسهایی از مکتب اسلام» در اسفند ۱۳۸۸ منتشر شده است، به بررسی نقش مؤمن آل فرعون در داستان بنی اسرائیل و تأثیر او بر نجات موسی (علیه السلام) پرداخته است (فرج‌اللهی فر، ۱۳۸۸، ش. ۱۲، ص. ۳۴-۴۲). او نشان می‌دهد که چگونه اقدامات مؤمن آل فرعون به نجات موسی (علیه السلام) و در نتیجه نجات بنی اسرائیل کمک کرده است. سید علاء‌الدین اعلائی در مقاله «تاریخ در آینه قرآن» که در مجله «رشد آموزش قرآن» در بهار ۱۳۸۶ منتشر شده است، به تحلیل تاریخی داستان‌های قرآنی از جمله داستان مؤمن آل فرعون پرداخته است (اعلائی، ۱۳۸۶، ش. ۱۶، ص. ۳۲-۳۵). او بررسی می‌کند که چگونه این داستان‌ها می‌توانند به عنوان منابع تاریخی و اخلاقی برای آموزش نسل‌های آینده مورد استفاده قرار گیرند. و نهایتاً آیت الله جعفر سبحانی تبریزی در مقاله «سرگذشت پیامبران/ وحشت از نفوذ آئین توحید به درون دربار» که در مجله «درسهایی از مکتب اسلام» در اسفند ۱۳۷۳ منتشر شده است، به تحلیل تأثیر نفوذ آئین توحید بر دربار فرعون و نقش مؤمن آل فرعون در این فرآیند پرداخته است (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳، ش. ۱۲، ص. ۷-۱۹). او نشان می‌دهد که چگونه اقدامات مؤمن آل فرعون به تقویت ایمان و مقابله با شرک کمک کرده است. با بررسی این مطالعات، مشخص می‌شود که اگرچه تحقیقات مختلفی در زمینه شخصیت مؤمن آل فرعون انجام شده

است، اما هنوز جای خالی تحلیل جامع در خصوص ویژگی‌های الگویی این شخصیت وجود دارد. بنابراین، تحقیق حاضر با هدف پوشش بیشتر جنبه‌های شخصیت مؤمن آل فرعون و تحلیل ویژگی‌های الگویی او با محوریت دیدگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی، تلاش می‌کند تا خلأهای موجود در پژوهش‌های پیشین را پر کرده و نقشی مؤثر در درک بهتر این شخصیت قرآنی ایفا نماید.

دیدگاه‌های تفسیری استاد آیت الله جوادی آملی بیشتر در مجموعه ۸۰ جلدی تفسیر گرانسنگ تسنیم و مجموعه ۱۸ جلدی تفسیر موضوعی قرآن کریم ارایه شده است در اثر «تفسیر موضوعی قرآن کریم» مطلبی درباره «مؤمن آل فرعون» یافت نشد لذا عمده ارجاعات مقاله برای تبیین نظرگاه تفسیری ایشان درباره موضوع، به تفسیر ترتیبی استاد یعنی تفسیر تسنیم جلد ۷۰ ذیل آیات ۲۸ تا ۴۵ سوره مومن (غافر) می‌باشد و بعضاً برای تشریح دیدگاه ایشان به آثار دیگر نظر انسان در قرآن نیز اشاره شده است.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله بر پایه تحلیل محتوای کیفی استوار است که به‌طور خاص برای بررسی محتوای متون، به‌ویژه متون مقدس نظیر قرآن کریم، طراحی شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد محتوای ضمنی و آشکار متن را با دقت تحلیل کرده و مفاهیم و پیام‌های نهفته آن را استخراج کند (عبداللهی نیسیانی، ۱۳۹۷، ص. ۲۷). در این پژوهش فرض بر این است که تمامی ابعاد قرآن کریم - از کوچک‌ترین عبارات و حروف گرفته تا کلیت سوره‌ها - به‌طور دقیق و حکیمانه طراحی شده‌اند و حامل پیام‌هایی برای هدایت انسان هستند. گام‌های این روش شامل انتخاب آیات مرتبط با شخصیت مؤمن آل فرعون، کدگذاری مفاهیم کلیدی، استخراج مضامین اصلی و تحلیل مفهومی است. در این راستا، آیات مرتبط با مؤمن آل فرعون از قرآن کریم استخراج و از دیدگاه‌های مختلف خصوصاً نظرگاه تفسیری آیت الله جوادی آملی مورد بررسی قرار گرفتند. مفاهیم کلیدی مانند

شجاعت در بیان حقیقت، بهره‌گیری از تقیه آگاهانه و استفاده از استدلال منطقی برای هدایت جامعه شناسایی و تحلیل شدند. چارچوب نظری پژوهش به گونه‌ای طراحی شده است که ضمن بررسی تاریخی و تفسیری، ویژگی‌های الگویی شخصیت مؤمن آل فرعون را تحلیل و نقش او را به‌عنوان الگویی الهام‌بخش برای جوامع معاصر برجسته می‌سازد. ویژگی‌های استخراج‌شده شامل قابلیت تطبیق با شرایط متغیر، انعطاف‌پذیری، و استناد به تجربیات موفق گذشته است که با بهره‌گیری از شواهد قرآنی و تفسیری تبیین شده‌اند.

معرفی اجمالی شخصیت مومن آل فرعون

در منابع تفسیری و تاریخی مؤمن آل فرعون پسرعمو و خزانه‌دار فرعون معرفی شده که ایمانش را به خداوند پنهان می‌کرد. او نهایتاً برای حفظ جان حضرت موسی علیه السلام ایمان خود را آشکار کرد و توسط فرعون کشته شد. آیات ۲۸ تا ۴۵ سوره مومن (غافر) تصویری روشن از روحیات او به دست داده است. همچنین در روایات از او در کنار مومن آل یاسین و امام امیرالمومنین علی علیه السلام به‌عنوان یکی از صدیقان ثلاثه یاد شده و در منابع شیعه و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کنند که فرمودند: «صدیقون سه نفر هستند: حبیب نجار مؤمن آل یاسین، حزقیل مؤمن آل فرعون و علی بن ابی طالب که علی علیه السلام از آن دو نفر افضل است.» (متقی هندی، ج. ۱۱، ص. ۶۰۱ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص. ۴۷۶). همچنین به رجعت وی در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص. ۴۷۶). و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که مؤمن آل فرعون از هفده نفری است که زمان ظهور امام زمان (عج) رجعت خواهد کرد (عیاشی، ج. ۲، ص. ۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج. ۳، ص. ۵۵۰). نام اصلی او در احادیث حزقیل یا حزییل و یا خربیل آمده است (مجلسی، ۱۳۶۲ش، ج. ۷۵، ص. ۴۰۲). برخی مورخان نیز نام او را حزسل بن بوخاسل گفته‌اند همچنین در بعضی متون او را پیامبر دانسته‌اند (مقدسی، ج. ۳، ص. ۸۴). حزقیل در مدت عمر طولانی خود ایمانش را از فرعون پنهان می‌کرد (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج. ۲،

ص. ۶۰۴). و زمانی که فرعون به او شک کرده بود تقیه می‌کرد و با توریه ایمان خود را پنهان کرده و جانش را حفظ می‌کرد (مجلاتی، ج. ۵، ص. ۱۵۳). بعد از آنکه فرعون قصد کشتن موسی علیه السلام را داشت، مؤمن آل فرعون تلاش می‌کرد او را نجات دهد (غافر/ ۴۴). وی در نهایت ایمان خود را آشکار می‌کند و می‌گوید شما مرا به کفر دعوت می‌کنید و من شما را به ایمان به خداوند عزیز غفار دعوت می‌کنم. بعد از این سخنان بود که توسط فرعون به صلیب کشیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۲۰، ص. ۹۷) همچنین گفته شده در زمان دعوت حضرت موسی علیه السلام و ایمان آوردن ساحران، مؤمن آل فرعون هم ایمان خود را آشکار کرد و مانند ساحران توسط فرعون کشته شد (مجلسی، ۱۳۶۲، ج. ۷۵، ص. ۴۰۲). وی در حالی که دست‌ها و انگشتان اش بر روی صلیب خشک و فلج شده بود و با همان حال به قومش اشاره می‌کرد و می‌گفت: از من پیروی کنید تا شما را به راه رشد و کمال هدایت کنم (قمی، ۱۳۶۳، ج. ۲، ص. ۲۵۸؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج. ۱۳، ص. ۱۶۲). همسر حزقیل هم زنی مؤمن و معروف به صیانة الماشطة آرایشگر دختر فرعون بوده است که فرعون او و فرزندانش را به جرم ایمان به خدا در آتش سوزاند (مجلسی، ۱۳۶۲، ج. ۱۳، ص. ۱۶۳؛ مجلسی، ۱۳۸۴، ج. ۱، ص. ۲۴۳). آیات سوره غافر که به توصیف مؤمن آل فرعون می‌پردازد اولین وصفی را که برای او به کار برده کتمان ایمان است. ذیل این آیه روایتی درباره لزوم حفظ تقیه وارد شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: تقیه سپر خداوند است همان طور که اگر مؤمن آل فرعون ایمان خود را آشکار می‌کرد کشته می‌شد (طبرسی، ۱۳۷۹، ج. ۸، ص. ۵۲۱). مومن آل فرعون در نگاه ائمه علیهم السلام یک الگوی نصیحت و خیرخواهی معرفی می‌شد به طور مثال وقتی که زهیر بن قین در کربلا برای قومش سخن می‌گفت و نصیحت می‌کرد. امام حسین علیه السلام او را تشبیه به مؤمن آل فرعون کرد که مانند او بر قوم خود خیرخواهی کرده و برای ابلاغ حق، همه تلاش خود را انجام می‌دهد (قمی، ۱۳۷۹، ص. ۲۴۲) امام حسن عسکری علیه السلام نیز از پدران اطهرش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که مؤمن آل فرعون قوم خود را به توحید الهی و نبوت حضرت موسی علیه السلام و برتری

حضرت محمد ﷺ بر جمیع انبیاء الهی و همه مخلوقات و نیز برتری امام علی علیه السلام و اولاد طاهرینش بر سایر اوصیاء انبیاء فرامی خواند و آن‌ها را از ربوبیت فرعون منع می‌کرد و خود اعلام برائت از وی می‌نمود (مشایخ، ۱۳۸۱، ص. ۳۸۴).

گونه شناسی ویژگی‌های الگویی مومن آل فرعون

ویژگی‌های الگویی شخصیت مومن آل فرعون را می‌توان در چهار دسته کلی شامل خصوصیات شخصیتی، تأثیرات اجتماعی، رویکردهای هدایتی و جایگاه اخروی دسته بندی کرد. مصادیق این چهار دسته به ترتیب عبارتند از:

۱. خصوصیات شخصیتی

۱.۱. جامعیت

در چارچوب روانشناسی شخصیت می‌توان گفت مؤمن آل فرعون نمونه‌ای بارز از شخصیت یکپارچه (integrated personality) است. لذا توانست به‌صورت همزمان چندین نقش اجتماعی به ظاهر متعارض را با کارایی بالا ایفا نماید که نشان‌دهنده سطح بالایی از انعطاف‌پذیری شناختی (cognitive flexibility) و هوش هیجانی (emotional intelligence) است. تحلیل محتوای آیات مرتبط با وی نشان می‌دهد که حزقیل از توان منحصر به فردی در ایجاد تعادل دیالکتیکی (dialectical balance) بین: تعهد دینی و انطباق سیاسی، صداقت درونی و تقیه ظاهری و تحمل نظم موجود به همراه تلاش برای تغییر آن برخوردار بوده است. این ویژگی‌ها او را به الگویی از رهبری تحول‌آفرین (transformational leadership) در شرایط بحرانی تبدیل کرده بود. بنابراین دیدگاه، شخصیت وی، نشان‌دهنده یک شخصیت جامع و چندبعدی است که در ابعاد مختلف نظری و عملی تلفیق شده است. این جامعیت به گونه‌ای است که او می‌توانست بین نظر و عمل تعادل برقرار نموده و ارتباطات خود را نه تنها با قوم خود بلکه با نظام حاکم و شخص فرعون نیز به

طور همزمان مدیریت کند. مؤمن آل فرعون هنر دقیق سخن گفتن را داشت که این امر نشان‌دهنده توانایی او در جمع‌بندی و هماهنگی بین نظریات و اعمالش بود. او بارها سعی کرد بین خود و قوم خود و همچنین بین خود و فرعون نوعی تعامل هدایتی برقرار کند. به عنوان مثال، وی به جای گفتن «فَمَنْ يَنْصُرُنَا»، از فراز «فَمَنْ يَنْصُرُنَا» بهره می‌گرفت، که نشان‌دهنده تعریف و تبیین نوعی سرنوشت مشترک بین خود و قوم خود و حتی فرعون بود و هنر او را در مدیریت ارتباط با دیگران برای هدایت آنان نشان می‌داد (غافر/ ۲۹) لذا آیت الله جوادی آملی بر این باور است که این جمع کردن بین نظر و عمل، و بین خود و قوم خود، و بین خود و سلطان مصر و بودن در جمع اطرافیان وی با هدف هدایت‌گری، نشان‌دهنده جامعیت او است (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۴۸).

۲.۱. عمل بر اساس تقیه

تعریف قرآن کریم از تقیه، نشان‌دهنده آن است که تقیه، صرفاً یک تاکتیک دفاعی نیست، بلکه می‌تواند بستری برای تأثیرگذاری غیرمستقیم در جوامع تحت ستم باشد و مکانیسمی را برای مقاومت فرهنگی در شرایط سرکوب ارائه می‌دهد. لذا تقیه در این عملکرد، نه یک رفتار انفعالی، بلکه شکلی از کنشگری هوشمندانه (strategic activism) محسوب می‌شود و در سطح نظری، این الگو می‌تواند در چارچوب نظریه "مقاومت روزمره" (everyday resistance) اسکات^۱ و نیز نظریه "سرمایه فرهنگی" (cultural capital) بوردیو^۲ تحلیل شود. از این منظر تقیه، شکلی از "انباشت سرمایه فرهنگی در شرایط نامساعد" محسوب می‌شود. در تفسیر آیه «وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ» (غافر/ ۲۸)، تحلیل مفهومی «تقیه» به‌عنوان یک سازوکار دفاعی مشروع در شرایط اضطرار، مورد توجه قرار می‌گیرد. مؤمن آل فرعون، با پرهیز از ابراز صریح ایمان شخصی، به‌صورت

1. James C. Scott

2. Pierre Bourdieu

غیرمستقیم از مواضع حق دفاع نمود؛ به‌گونه‌ای که با وجود کتمان هویت اعتقادی خویش، انتقال مفاهیم الهی و استدلال‌های عقلانی را در دستور کار قرار داد. آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم معتقد است: این رویکرد، بین «کتمان علم نافع» (که در روایات با وعید الهی همراه است) و «کتمان ایمان در شرایط تهدید» (که تحت عنوان تقیه مشروعیت یافته) تمایزی اساسی ایجاد می‌کند. بر اساس مستندات روایی، کتمان علم نافع – آن‌گونه که در حدیث «مَنْ كَتَمَ عِلْمًا نَافِعًا أَلْجَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج. ۲، ص. ۷۸) آمده – به دلیل محروم‌سازی جامعه از دانش مفید، عملی مذموم تلقی می‌شود؛ در حالی که تقیه به‌عنوان یک راهبرد برای حفظ جان و صیانت از ارزش‌های دینی در جوامع استبدادی، نه‌تنها ممنوع نیست، بلکه در شریعت مورد تأیید قرار گرفته است. مؤمن آل فرعون نیز با اجتناب از ذکر صریح ایمان خود یا اشاره به جایگاه نبوی حضرت موسی علیه السلام، صرفاً به بیان حقایق کلی همچون «اتَّقُوا رَبَّ لَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا أُمَّةَ اللَّهِ» (غافر/۲۸) اکتفا کرد تا از شناسایی شدن به‌عنوان یک مؤمن جلوگیری نماید. این رفتار، منطبق با الگوی تقیه‌ی حکیمانه‌ای است که در دوران صدر اسلام نیز توسط مسلمانان مکه به کار گرفته می‌شد. (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۵۰).

۳.۱. عاطفه و دلسوزی نسبت به قوم خود

بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که مؤمن آل فرعون با کاربرد مکرر اصطلاح «يَا قَوْمِ» از الگوی ارتباطی مبتنی بر «همبستگی اجتماعی» (social solidarity) تبعیت کرده است. این سبک خطاب، حاکی از درک عمیق «تعلق گروهی» (group affiliation) و تلاش برای کاهش مقاومت روانی مخاطبان در برابر پیام هدایت به شمار می‌رود. همچنین موقعیت ویژه‌ی گوینده که به‌عنوان عضوی از نظام حاکم («مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ») بود، دشواری موضع‌گیری انتقادی او را در فضای استبدادی فرعون‌ی مصر دوچندان می‌سازد. در آیات «يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ» (غافر/۲۹)،

«وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ» (غافر / ۳۰) و «وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ» (غافر / ۳۲)، تعبیر «يَا قَوْمِ» - همانند خطاب‌هایی که پیامبران بزرگی چون نوح، هود و صالح (علیهم‌السلام) در دعوت خویش به کار می‌بردند (ر.ک: هود / ۵۰، ۶۱؛ نوح / ۲۳) - گویای پیوندی عمیق و مسؤولانه میان مؤمن آل فرعون و قومش است. به نظر آیت الله جوادی آملی این تعبیر نشان می‌دهد که گوینده خود را از جنس و همراه آنان می‌بیند، نه در جایگاهی بالاتر یا متخاصم؛ به‌ویژه آن‌گاه که قرآن کریم او را «مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ» خطاب می‌کند (غافر / ۲۸). وی که از درباریان فرعون به شمار می‌رفت و پیش از نبوت موسی علیه‌السلام در دستگاه حاکمه حضور داشت و حتی در ماجرای برخورد فیزیکی موسی با یک نفر قبطی که منجر به مرگ وی شد (قصص / ۱۵) و تصمیم مجموعه حاکم برای قتل موسی علیه‌السلام (قصص / ۲۰) وی نقش واسطه‌گر داشت و اخبار را به موسی علیه‌السلام انتقال می‌داد. همچنین هنگامی که بعد از بازگشت موسی علیه‌السلام و ارائه نشانه‌های پیامبری، فرعون مجدداً تصمیم به قتل او گرفت (غافر / ۲۶)، این تصمیم به موسی علیه‌السلام خبر داده شد و او در پاسخ فرمود «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (غافر / ۲۷) که می‌تواند این خبر دادن مجدداً نیز از طرف مومن آل فرعون باشد. علاوه بر این در فضای سنگین حاکم، مؤمن آل فرعون با خطاب عاطفی مکرر «يَا قَوْمِ» نه تنها بر هم‌ذات‌پنداری و دلسوزی‌اش نسبت به قوم خود تأکید می‌کند، بلکه می‌کوشد آنان را از سرنوشت دردناک اقوام گذشته برحذر دارد و هدایت‌شان کند و آنها را از قتل حضرت موسی علیه‌السلام منع کند (غافر / ۲۹-۳۲). بر همین اساس قرآن کریم ادعای هدایت بر طریق رشد را با فراز «اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ» به مومن آل فرعون نسبت می‌دهد (غافر / ۳۸) (ر.ک: جوادی آملی ۱۳۷۲، ص. ۲۳۳) از طرف دیگر مومن آل فرعون با این عبارت اعلام می‌کند که قصد تحمیل عقیده یا برتری‌جویی ندارد، بلکه می‌خواهد راه درست را همگام با آنان بیاماید و از وابستگی مفرطشان به جلوه‌های ظاهری دنیا که «مَتَاعٌ» گذراست بکاهد (غافر / ۳۹). این شیوه خطاب و نحوه

دعوت، ضمن آنکه نمایانگر روحیه منصفانه و همدلانه اوست، نشان می‌دهد که وی عمیقاً به سرنوشت قوم خود علاقه‌مند بوده و با ترکیبی از عاطفه، اندرز و هشدار، در تلاش بوده است تا آنان را به حقیقت رهنمون سازد (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۵۲).

۲. تأثیرات اجتماعی

۱.۲. جهاد فرهنگی و مبارزه نرم

مطالعه تطبیقی آیات سوره غافر نشان می‌دهد که مؤمن آل فرعون در فضای استبدادی عصر فرعون، الگویی پیشرفته از جهاد فرهنگی و مبارزه نرم ارائه کرده است. وی با وجود پنهان‌سازی ایمان شخصی که نوعی تقیه فعالانه محسوب می‌شد، از طریق مکانیسم‌های اقناعی چندلایه به مقابله با گفتمان مسلط پرداخته است. مبارزه نرم مؤمن آل فرعون جلوه‌ای آشکار از ایستادگی هوشمندانه در برابر حکومت ظالم به شمار می‌رود. وی در برابر ادعای فرعون مبنی بر اینکه «مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَ مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ» (غافر / ۲۹)، تلاش کرد مفهوم «رِشَاد» را تبیین کند و در نهایت، مطابق آیه ۳۸ («وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ») بر این نکته تأکید می‌ورزد که هدف او تحمیل رأی شخصی نیست، بلکه یافتن راه صحیحی است که خود نیز در پیمودن آن، همراه قوم خویش خواهد بود. این رویکرد، نشانگر آن است که جهاد فرهنگی و مبارزه نرم مورد نظر او صرفاً بر پایه نصیحت یک‌جانبه استوار نبوده، بلکه بر مبنای اشتراک عملی در مسیر هدایت شکل گرفته است. به نظر آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، مؤمن آل فرعون نه تنها در مقام خطابه و نصیحت باقی نمی‌ماند، بلکه سعی می‌کند با به‌کارگیری تعبیرات عاطفه‌انگیز، بستری فراهم کند که قوم خود را با خود همراه سازد و آنان را از خودکامگی فرعون و سرانجام تلخ آن برحذر دارد. ترکیب این عناصر در کنار هم، الگویی از «جهاد فرهنگی» را ارائه می‌دهد که در آن، همدلی، شراکت در مخاطره و تکیه بر بُعد اعتقادی و اخلاقی توأمان مورد استفاده قرار می‌گیرند تا جامعه را از افتادن در

ورطه خطا بازدارند (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۵۴). همچنین بنابر الگوی تحلیل گفتمان (discourse analysis) مشاهده می‌شود که مؤمن آل فرعون از تکنیک‌های مختلفی برای اثرگذاری فرهنگی استفاده می‌کند. نقطه آغازین این فرایند، به‌کارگیری هوشمندانه خطاب جمعی «یا قَوْم» است که نوعی همذات‌پنداری گروهی (group identification) ایجاد می‌کند. این تکنیک که در روانشناسی اجتماعی تحت عنوان ایجاد پیوند درون‌گروهی (in-group bonding) شناخته می‌شود، پایه‌ای برای پذیرش پیام‌های بعدی فراهم می‌آورد. علاوه بر این وی در سطح استراتژی‌های اقناعی (persuasion strategies)، از ترکیب هوشمندانه‌ی این تکنیک‌ها استفاده می‌کند:

- تکنیک پرسش انکاری (rhetorical questioning): «أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ»

- روش ترسیم پیامدها (consequence framing): «فَمَنْ يُضِرْنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ»

- تکنیک بازتعریف مفاهیم (conceptual reframing): تبدیل «سَبِيلَ الْغَى» فرعونی به «سَبِيلَ الرَّشَادِ» الهی

نکته قابل تأمل در الگوی مؤمن آل فرعون، حرکت از سطح نصیحت فردی به سمت ایجاد مشارکت جمعی (collective participation) است. این انتقال از طریق عبارت «اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ» محقق می‌شود که حاکی از تغییر پارادایم از الگوی یک‌سویه تبلیغی به الگوی تعاملی هدایت است. همچنین در بعد روانشناختی اجتماعی (socio-psychological dimension)، مؤمن آل فرعون با ایجاد حس مسئولیت مشترک (shared responsibility) از طریق عبارت «فَمَنْ يُضِرْنَا»، نوعی اتحاد سرنوشت (destiny bonding) میان خود و مخاطبانش ایجاد می‌کند. این تکنیک که در نظریه‌های تغییر نگرش (attitude change theories) مورد تأکید قرار گرفته، احتمال پذیرش پیام را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد.

۲.۲. اقامه همزمان برهان و انذار به قوم خود

مطالعه نظام‌مند آیات مربوط به مؤمن آل فرعون در سوره غافر (آیات ۲۸-۴۵) الگوی پیشرفته‌ای از ترکیب برهان و انذار را در فرایند اقناع نشان می‌دهد. این رویکرد دووجهی مبتنی بر تحریک همزمان

سیستم‌های دوگانه پردازش اطلاعات (dual process systems) در روانشناسی شناختی است اقامه همزمان برهان و انذار از سوی مؤمن آل فرعون به خوبی نشان‌دهنده رویکرد جامع او در مواجهه با قوم خویش است. او نخست، با تکیه بر «بینات» پیامبرانه، برهانی را برای متقاعدسازی عقل نظری قوم اقامه می‌کند و تصریح می‌نماید که اگر موسی علیه السلام دارای معجزاتی واقعی است، پس او پیامبری راستین محسوب می‌شود؛ چنان‌که یوسف نبی نیز دارای این بینات بوده است (غافر، ۳۴). در کنار این برهان، همزمان انذار برای تحریک عقل عملی نیز ارائه می‌دهد، به این بیان که اگر موسی علیه السلام «صادق» باشد، دست‌کم بخشی از عذاب الهی شما را دربر خواهد گرفت (غافر / ۲۸) و در چنین صورتی چه کسی توان یاری ما را از «بأسِ الله» خواهد داشت؟ (غافر / ۲۹). جالب آنکه در بخش اول نیز می‌گوید: «يُصِيبُكُم بَعْضُ الَّذِي يَعِدُّكُمْ» و ضمیر خطاب را «کُم» می‌آورد تا شدت تهدید را متوجه آنان کند، اما در آیه بعد با تعبیر «فَمَنْ يَنْصُرُنَا» (غافر / ۲۹)، خود را نیز در جمع ایشان قرار می‌دهد تا هم احساس هم‌سرنوشتی و انصاف را برانگیزد و هم تأثیرگذاری سخن را افزایش دهد. این ترکیب هوشمندانه از استدلال نظری (اقامه برهان بر حقایق نبوت موسی علیه السلام) و انذار عملی (یادآوری پیامدهای خوفناک مخالفت با پیام الهی) در کنار به‌کارگیری ظریف ضمایر مختلف، از یک سو عقل قوم را متوجه صداقت موسی علیه السلام می‌کند و از سوی دیگر، عواطف و وجدان عملی آنان را در برابر عذاب احتمالی الهی برمی‌انگیزد. در نتیجه، مؤمن آل فرعون موفق می‌شود با رعایت انصاف و همسان‌پنداری با شنوندگان، برهانی مستدل برای هدایت آنان اقامه نموده و همزمان، آنان را نسبت به فرجام خطرناک انکار حق هشدار دهد (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج ۷۰، ص ۲۵۵). همچنین مطالعه الگوی مؤمن آل فرعون نشان می‌دهد وی از دانش ضمنی عمیقی در روانشناسی اقناع (psychology of persuasion) برخوردار بوده که امروزه در چارچوب نظریه‌های عصب‌شناسی تصمیم‌گیری (decision neuroscience) قابل تحلیل است. این استراتژی دوگانه، نمونه‌ای کلاسیک از تبلیغ اثربخش در شرایط چالش‌برانگیز محسوب می‌شود.

۳.۲. عقل‌گرایی

مؤمن آل فرعون در مواجهه با نظام استبدادی فرعون، الگویی جامع از مقاومت عقلانی-فرهنگی (Rational-Cultural Resistance) ارائه می‌دهد که مبتنی بر سه سطح راهبردی است: در سطح مقاومت گفتمانی، با به‌کارگیری هوشمندانه خطاب جمعی و طرح پرسش‌های انکاری مانند «أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ»، همبستگی اجتماعی ایجاد کرده و تفکر انتقادی را تحریک می‌نماید؛ و در سطح مقاومت معرفتی، با استناد به دلایل عقلی و نقلی و نقد ادعاهای بی‌پشتوانه فرعون («مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى»)، نظام فکری حاکم را به چالش می‌کشد؛ و در سطح مقاومت اخلاقی، با تبیین پیامدهای دنیوی و اخروی ظلم و تأکید بر مسئولیت‌پذیری جمعی («فَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ شَاقٍّ»)، چارچوبی ارزش‌محور ارائه می‌دهد. این سه‌گانه راهبردی، که از سویی مبتنی بر عقلانیت انتقادی و از سوی دیگر مستند به معیارهای و حیانی است، نه تنها الگویی اثرگذار برای مقاومت در شرایط سرکوب ارائه می‌کند، بلکه با ترکیب تحلیل تاریخی (مقایسه با سرنوشت اقوام پیشین)، استدلال فلسفی (تبیین نسبت عدل الهی و اختیار انسانی) و رویکرد اخلاقی (مسئولیت‌پذیری جمعی)، نمونه‌ای بی‌نظیر از مبارزه فکری نظام‌مند (Systematic Intellectual Resistance) در متن تاریخ را به نمایش می‌گذارد که برای جوامع تحت ستم معاصر نیز کاملاً الهام‌بخش و کاربردی است. آیت الله جوادی آملی بر این باور است که: مؤمن آل فرعون با به‌کارگیری عقل به عنوان ابزاری برای تحلیل و نقد پیش‌داوری‌های دیرینه قوم خود، چارچوبی جامع و منسجم ارائه می‌دهد که در آن از روایات و آیات الهی بهره می‌گیرد تا نشان دهد پذیرش «بینات» الهی در صورت وجود شواهد عینی، جایگاه شک و تردید ندارد؛ وی با یادآوری این نکته که قوم فرعون در گذشته، حتی در مواجهه با پیامبری چون یوسف علیه السلام - که در برخی روایات به یوسف معروف یا به‌عنوان نوه او تفسیر شده است - شواهدی دریافت کرده بودند، اما علی‌رغم دریافت این نشانه‌های واضح، به ابعاد عمیق

شک و لجاجت اسیر مانده و پس از رحلت ایشان با عبارتی چون «لَنْ يَّبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا» (غافر / ۳۴) این تمایل به انکار را تکرار نموده‌اند؛ به علاوه، او با استناد به بیانات آشکار حضرت موسی علیه السلام تأکید می‌کند که معجزاتی که برای اثبات پیامبری به نمایش گذاشته می‌شوند، نباید در میان آنان موجب شک و تردید گردد، چرا که پذیرش چنین شواهدی نه تنها نشان‌دهنده درک درست است، بلکه رد آن، بیانگر انحراف فکری می‌باشد؛ از این رو، تعبیر «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ» (غافر / ۳۵) به عنوان برهانی قطعی بر وجود آیات و شواهد الهی، نقدی است بر تلاش بی‌نتیجه برای انکار آنچه که در حقایق دینی روشن آمده است؛ افزون بر این، مومن آل فرعون با ادغام رویکرد تاریخی و استدلال‌های عقلانی، ضمن افشای تناقضات در رفتار قوم خود و برجسته ساختن عمق شک و لجاجت آنان، از طریق یک استدلال علمی و پژوهشی، نشان می‌دهد که پذیرش شواهد آیات الهی امری اجتناب‌ناپذیر است و رد آن، در نهایت به سقوط فکری و اخلاقی منجر می‌شود؛ این نگرش عقل‌گرایانه نه تنها نشان‌دهنده توانمندی او در استفاده از منطق و شواهد قرآنی برای دفاع از اصول دینی و اخلاقی است، بلکه به عنوان ابزاری کلیدی در مقابله با ظلم و ناعدالتی در جامعه، مبنای تقویت باورهای دینی و اخلاقی را فراهم می‌آورد (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۵۸).

۴.۲. ایستادگی شجاعانه در مقابل طاغوت زمانه

مؤمن آل فرعون با به‌کارگیری رویکرد عقلانی-انتقادی (Rational-Critical Approach) در مواجهه با نظام فرعون، الگویی جامع از مقاومت فکری ارائه می‌دهد که بر سه محور اساسی استوار است: نخست، نقد گفتمان سلطه به مثابه نمونه‌ای از استبداد معرفتی با جمله «مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى» ؛ دوم، بنیان‌گذاری مشروعیت‌زدایی عقلانی با اتکا به مفهوم «سُلطان» در فراز «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ» (ر.ک: اعراف / ۷۱؛ یوسف / ۴۰؛ حج / ۷۱) به عنوان معیاری برای تمیز حق از باطل؛ و سوم، ارائه نظام بدیل فکری مبتنی بر عدالت الهی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی. این سه‌گانه استراتژیک، که

همزمان سطح تحلیل تاریخی (ارجاع به سنت پیامبران پیشین)، سطح استدلال فلسفی (تبیین نسبت عدل الهی و اختیار انسانی) و سطح اقدام عملی (ایجاد همبستگی اجتماعی با خطاب «یا قَوْمِ») را پوشش می‌دهد، نه تنها الگویی بی‌نظیر از مقاومت فرهنگی نظام‌مند (Systematic Cultural Resistance) در شرایط سرکوب را ارائه می‌کند، بلکه با ترکیب روش‌شناسی نقادی درونی (Immanent Critique Methodology) و استراتژی‌های اقناع چندسطحی (Multi-Layered Persuasion Strategies)، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در عین حفظ ایمان شخصی («يَكْتُمُ اِيْمَانَهُ»)، به صورت فعالانه در برابر نظام‌های مستبد ایستادگی فکری کرد. این الگو که هم پویایی گفتمانی (Discursive Dynamism) و هم انعطاف‌پذیری تاکتیکی (Tactical Flexibility) را به نمایش می‌گذارد ایستادگی مؤمن آل فرعون در برابر طاغوت زمان خویش را با استدلال عاقلانه با هدف هدایت و رشاد نشان می‌دهد (غافر/ ۲۹)، به نظر آیت الله جوادی آملی از استدلال مؤمن آل فرعون این نتیجه نیز به دست می‌آید که از نگاه قرآن، برهان - اعم از عقلی و نقلی - هنگامی که در فضای نفس وارد شود، حکومت و سلطنت بر فکر انسان پیدا می‌کند و اگر برهانی در میان نباشد، تنها «ضوضاء و غوغا» باقی خواهد ماند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۴۰۲، ص. ۲۶۰). از سوی دیگر «بَغْيِرِ سُلْطَانٍ» سخن گفتن، هم در نزد خداوند «مَقْتٌ» و غضب است و هم نزد مؤمنان که صفات الهی را الگو قرار داده‌اند (غافر/ ۳۵). از این رو، مؤمن آل فرعون در کنار نفی استبداد رأی فرعون، به قوم خود یادآور می‌شود که سخن بی‌برهان، افزون بر آن که موجب سلب اعتماد جامعه می‌گردد، عواقب تلخ دنیوی و اخروی در پی دارد. از این رو، ایستادگی عاقلانه مؤمن آل فرعون مصداق حقیقی تکیه بر «سلطان» (برهان) در برابر طاغوت را آشکار می‌سازد و الگویی ماندگار برای همه نسل‌ها ارائه می‌کند (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۶۲).

۵.۲. تبدیل ایمان شخصی به کنش اجتماعی مسئولانه

مؤمن آل فرعون نمونه بارزی از گذار از ایمان خصوصی به مسئولیت اجتماعی را ارائه می‌دهد که در

آن با حفظ تقیه فعالانه، از موقعیت خود در دستگاه حکومتی برای تأثیرگذاری ساختاری (Structural Influence) استفاده می‌کند. این الگوی رفتاری مبتنی بر چند رکن اساسی است: نخست همسوس شدن عقلانی (Rational Alignment) با حقایق و حیانی که در استناد به «بیّنات» موسی علیه السلام تجلی یافته؛ دوم مدیریت هوشمندانه هویت (Identity Management) که در «بِکْتُمُ إِیْمَانَهُ» متبلور شده؛ و سوم ایجاد پیوند اجتماعی (Social Bonding) از طریق خطاب جمعی «بَا قَوْمٍ» و ضمیر اشتراکی «نَا». این سه رکن اساسی، مؤمن آل فرعون را قادر ساخته تا در عین حفظ امنیت شخصی، به فعال اجتماعی مؤثر تبدیل شود که هم از سرمایه نمادین موقعیت رسمی خود بهره می‌برد و هم از سرمایه اخلاقی ایمان خویش. نگاه دقیق به رفتار وی نشان می‌دهد که او نه با رویکرد انقلابی آشکار بلکه با استراتژی نفوذ تدریجی (Gradual Infiltration Strategy)، در پی تغییر در گفتمان حاکم بوده است. این مدل تعامل که از سویی مبتنی بر فهم عمیق از توازن قوا و از سوی دیگر مستند به تکلیف دینی است، امروزه می‌تواند به عنوان چارچوبی برای فعالیت مدنی هوشمند (Smart Civic Engagement) در جوامع استبدادی مورد استفاده قرار گیرد. چرا که مؤمن آل فرعون موفق شد در عین داشتن بعد فردی ایمان (کتمان اعتقاد برای حفظ امنیت شخصی)، با هدف هدایت اجتماع به کنشگری فعال در عرصه امر به معروف و نهی از منکر مبدل شود و بدون افشای هویت اعتقادی خویش، ادبیات برهانی و انذار موسی علیه السلام را ترویج کند و ضمن هشدار نسبت به پیامدهای مخالفت با پیام الهی، حس همدلی و هم‌سرنوشتی با قومش را برانگیزد؛ چنان‌که این رویکرد هوشمندانه، یکی از ارکان مؤثر مبارزه علیه طاغوت زمان شد و الگویی ماندگار در تاریخ رسالت‌های آسمانی به‌جا گذاشت (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۶۳).

۳. رویکردهای هدایتی

۱.۳. تبیین و تحلیل منطقی توحید

مؤمن آل فرعون با به‌کارگیری رویکرد ارتباطی تدریجی (Gradual Communicative Approach)،

الگوی بی‌نظیری از تبلیغ توحید را در شرایط خفقان ارائه می‌دهد. این استراتژی مبتنی بر سلسله مراتب اقناعی است که با سه مرحله متمایز اجرا می‌شود: در مرحله نخست، پایه‌های شناختی را بدون ایجاد حساسیت زود هنگام می‌ریزد. در مرحله دوم، با طرح پرسش انکاری «مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ» (غافر/۴۲)، تناقض‌های درونی نظام شرک‌آلود را آشکار می‌سازد. سرانجام در مرحله سوم، برهان سلبی-ایجابی کامل خود را ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر استدلال‌های توحیدی مؤمن آل فرعون از چندلایگی منطقی برخوردار است که در سه سطح عمل می‌کند: در سطح اول، برهان وجودی مبتنی بر «بَيِّنَات» که حقانیت نبوت موسی علیه السلام را اثبات می‌کند. در سطح دوم، برهان سلبی که با عبارت «لَا عِلْمَ لِي بِهِ»، عدم استناد شرک به هرگونه دانش یا برهان را نشان می‌دهد. در سطح سوم، برهان عملی که با تأکید بر ناتوانی معبودهای دروغین از پاسخگویی به دعاها، ناکارآمدی آن‌ها را در هر دو ساحت دنیوی و اخروی اثبات می‌کند. این سه‌گانه برهانی که همزمان هم جنبه‌های نظری و هم عملی توحید را پوشش می‌دهد، نمونه‌ای کم‌نظیر از منطق دینی کاربردی (Applied Religious Logic) محسوب می‌شود.

برهمن اساس آیت الله جوادی آملی معتقد است: یکی از رویکردهای مهم هدایتی مؤمن آل فرعون در استدلال بر توحید، بهره‌گیری از ظرافت‌های تدریجی در بیان توحید است. او ابتدا با اشاره به این نکته که «موسای کلیم علیه السلام از طرف پروردگار، بیّنات روشنی آورده است»، بر حقانیت ادعای نبوت موسی علیه السلام تأکید می‌کند و می‌گوید: «وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» (غافر/۲۸). در این مرحله، مؤمن آل فرعون تصریح ندارد که «الله، ربّ من و ربّ شماست»؛ بلکه با شیب ملایم، صرفاً بر آوردن بیّنات از جانب خدای آنان تأکید می‌ورزد تا حساسیت اولیه دربار فرعون برانگیخته نشود. سپس در مراحل بعدی، در پاسخ به دعوت شرک‌آلود فرعونیان، می‌فرماید: «تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ أُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ» (غافر/۴۲) و این‌گونه وانمود می‌کند که نسبت به صحت شرک، علمی در دست ندارد. چراکه از نظر منطقی، شرک معدوم محض به شمار می‌رود و به برهان و علم استوار نمی‌شود (ر.ک: مؤمنون/۱۱۷).

در حالی که ممکن است در آغاز تصور شود این موضع «بی طرفانه» نشان از تردید در حقانیت توحید دارد، اما در حقیقت، مؤمن آل فرعون از این شیب نرم برای آمادگی ذهنی منکران بهره می‌گیرد تا به تدریج، بطلان شرک را بر آنان روشن سازد. او سرانجام در جایگاهی بالاتر، صریح‌تر از توحید سخن می‌گوید (غافر / ۴۱) و آن را یک ضرورت منطقی معرفی می‌کند تا نشان دهد که در برابر «إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ» (مؤمنون / ۱۱۷) هیچ دلیلی برای پرستش جز خدای یگانه وجود ندارد. این حرکت از «عدم علم به شرک» تا «یقین به بطلان شرک» و سپس «دعوت به عزت و غفران الهی»، نمایانگر هنرمندی مؤمن آل فرعون در انتقال تدریجی مخاطب از فضای شک و جدل به وادی ایمان است. از سوی دیگر وی دلیل می‌آورد که در دنیا هیچ قانونی برای اداره امور از سوی خدایان دروغین صادر نمی‌شود و در آخرت نیز خبری از پاداش و کیفر به دست آن‌ها نیست. و این خداوند «عزیز» و «غفار» است که در دنیا قانون وضع می‌کند و در آخرت نیز محکمه عدل برپا می‌دارد (ر.ک: غافر / ۴۲-۴۳). با این استدلال عقلی، مؤمن آل فرعون نشان می‌دهد که تنها کسی شایسته الوهیت است که بتواند نیازهای انسان را در هر دو ساحت دنیا و آخرت تأمین کند؛ امری که هیچ بت یا موجود شرک‌آمیزی قادر به آن نیست. این روش گام‌به‌گام و حساب‌شده بن‌مایه‌ای استوار برای تبیین ضرورت عقلی توحید از ظرافت‌های بیانی مؤمن آل فرعون در تبلیغ توحید به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۶۴).

الگوی رفتاری مؤمن آل فرعون دارای دلالت‌های راهبردی مهمی برای دوران معاصر است. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با مهندسی گفتمان هوشمندانه (Discourse Engineering)، پیام‌های دینی را در فضای نامساعد منتقل کرد. امروزه این الگو می‌تواند در حوزه‌های ارتباطات دینی، روانشناسی اقناع و مطالعات مقاومت فرهنگی به کار گرفته شود. و می‌تواند الگویی برای فعالان فرهنگی در جوامع استبدادی باشد و اثبات می‌کند که تبلیغ مؤثر مطابق الگوی مومن آل فرعون نیازمند ترکیب هوشمندانه ظرفیت‌شناسی محیطی (Environmental Capacity Assessment) و زمان‌سنجی دقیق

(Precise Timing) است.

۲.۳. استدلال منطقی بر عواقب کتمان حق

مؤمن آل فرعون با به‌کارگیری منطق علی-معلولی (Causal Logic) در تحلیل عواقب انکار حق، نظامی منسجم از مسئولیت اخلاقی-الهیاتی ارائه می‌دهد که بر سه محور اساسی استوار است: نخست، برهان عدالت الهی که با استناد به آیه «يُصِيبُكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُّكُمْ» (غافر / ۲۸)، رابطه مستقیم بین تکذیب پیامبران و عذاب دنیوی/اخروی را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد چگونه سنت الهی بر مجازات تدریجی استوار است؛ دوم، برهان اعجاز که با اشاره به مکانیزم کنترل الهی بر پیامبران راستین «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ...» (حاقه / ۴۳-۴۷)، ضمانت اجرایی الهی برای صدق پیامبران را اثبات می‌نماید؛ و سوم، برهان مسئولیت شناختی که با تمایز قائل شدن بین «مُسْرِف» (زیاده‌خواه در انکار) و «كَذَّاب» (انکارکننده حقایق بدیهی)، نشان می‌دهد چگونه مخالفت با نبی مُرْسَل و دلایل روشن وی، هم مصداق افراط در تکذیب است و هم انکار حقیقت آشکار. این سه‌گانه استدلالی که همزمان هم بعد نظری (تبیین سنت‌های الهی) و هم بعد عملی (پیامدهای اخلاقی انکار) را پوشش می‌دهد، نه تنها الگویی جامع از منطق دینی ارائه می‌دهد، بلکه با ترکیب تحلیل فلسفی (نظریه عدالت الهی) و رویکرد قرآنی (سنت‌های تاریخی)، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان در فضای استبدادی، هم از حقانیت نبوت دفاع کرد و هم عواقب خطرناک انکار آن را به تصویر کشید. به نظر آیت الله جوادی آملی استدلال منطقی مؤمن آل فرعون در تبیین عواقب انکار حق و یا نسبت دادن دروغ به پیامبران الهی، جلوه‌ای روشن از رویکرد عقلانی و وحیانی در مواجهه با پدیده نبوت است. او ابتدا توضیح می‌دهد که اگر کسی مدعی نبوت باشد، اما خداوند معجزه‌ای برای تأیید گفته‌های او نازل نکند، ممکن است در این دنیا مورد عذاب فوری واقع نشود؛ چراکه دنیا صحنه امتحان است و بسیاری از مدعیان دروغین نبوت مدتی را در دنیا بدون برخورد جدی الهی

زندگی کرده‌اند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۴۰۲، ص. ۲۶۶). اما هنگامی که خداوند دعوی نبوت فردی را با اعطای «بیّنات» تثبیت می‌کند، آن شخص «مقبول‌القول» می‌شود. در چنین شرایطی، اگر او سخنی برخلاف وحی بر زبان آورد و چیزی را به خدا نسبت دهد که خدا نگفته باشد، خداوند هرگز او را مهلت نخواهد داد؛ زیرا دیگران سخنش را به عنوان وحی تلقی می‌کنند. به تصریح سوره حاقّه (آیات ۴۳-۴۷): «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ»، پیامبری که به پشتوانه معجزه مورد تأیید خداوند قرار گرفته است، اگر خلاف واقع سخنی نسبت دهد، به سرعت دچار عذابی خواهد شد که دیگر مجالی برای فریب و تداوم کذب او باقی نمی‌گذارد. این اصل، از یک سو نشانگر عدالت الهی در دفاع از دین حقیقی است و از سوی دیگر، مؤمنان را در اعتماد به انبیای دارای بیّنه مطمئن می‌سازد. مؤمن آل فرعون همین قاعده را در مواجهه با موسی علیه السلام و قوم خود به کار می‌بندد و می‌گوید چنانچه موسی علیه السلام دروغگو باشد، تبعات کذب او دامن خودش را خواهد گرفت؛ اما اگر راستگو باشد، «بعضی» از عذابی که وعده داده، قوم را فراخواهد گرفت (غافر / ۲۸). استدلال مؤمن آل فرعون از یک طرف تکیه بر خرد و برهان دارد، و از طرف دیگر ریشه در سنت تغییرناپذیر الهی نیز دارد و همین امر، سخن او را برای هشدار و هدایت قوم خود بسیار مؤثر می‌سازد (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۶۷).

۳.۳. بهره‌گیری از موعظه و هماهنگ نمودن آن با برهان

مؤمن آل فرعون با بهره‌گیری از استراتژی هشداردهی چندسطحی (Multilayered Warning Strategy)، الگوی بی‌نظیری از تبلیغ توحید در فضای استبدادی ارائه می‌دهد که در آن با ترکیب هوشمندانه موعظه تاریخی (با اشاره به سرنوشت اقوام پیشین مانند «يَوْمَ الْأَحْزَابِ»)، انذار اخروی (با ترسیم صحنه‌های قیامت در «يَوْمَ النَّارِ») و هدایت اخلاقی (با ارائه راهکار عملی «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ»)، نظامی جامع از هشدار و امید را طراحی می‌کند. این الگوی سه‌بعدی که همزمان به ابعاد تاریخی، اخروی و اخلاقی-اجتماعی

می‌پردازد، نه تنها از روش عبرت‌آموزی از تاریخ بهره می‌برد، بلکه با ترسیم آینده‌ای روشن از رحمت الهی در کنار تهدید عذاب، تعادل دقیقی بین بازدارندگی و تشویق ایجاد می‌کند. مؤمن آل فرعون در این استراتژی هوشمندانه نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با تلفیق هشدار و امیدواری، هم وجدان اخلاقی مخاطبان را بیدار کرد و هم راه نجات را به آنان نشان داد، الگویی که امروزه می‌تواند در روانشناسی تبلیغ دینی و مطالعات ارتباطات اقناعی (Persuasive Communication Studies) به عنوان چارچوبی نظری مورد استفاده قرار گیرد و اثربخشی آن در شرایط مختلف اجتماعی-فرهنگی به آزمون گذاشته شود. مؤمن آل فرعون با یادآوری سرنوشت تلخ اقوام پیشین که در برابر انبیای الهی ایستادگی کردند، از روش موعظه برای هشدار دادن به قوم خود بهره می‌گرفت (غافر / ۳۰، ۳۲). او با اشاره به تمدن‌ها و مللی همچون قوم نوح، عاد و ثمود (و امت‌های پس از آنان) یادآور می‌شود که مخالفت با پیامبران، چه در عرصه دنیا و چه در آخرت، پیامدهای ناگواری در پی دارد. این رویکرد به‌ویژه در سرزمین مصر، که پیش‌تر حضور و رسالت پیامبرانی چون یوسف علیه السلام را تجربه کرده بود، به‌خوبی قابل درک بود.

همچنین مؤمن آل فرعون با به‌کارگیری استراتژی تلفیقی برهان-موعظه (Rational-Admonitory Integration Strategy)، الگوی بدیعی از تبلیغ دینی ارائه می‌دهد که در آن استدلال عقلی و انداز عاطفی به شکلی هماهنگ و نظام‌مند ترکیب شده‌اند. او با طرح برهان نظری بر اساس تحلیل کارکردی، حاکمیت مطلق الهی را در اداره امور دنیوی (از طریق ارسال پیامبران و کتب آسمانی) و اخروی (با نظام پاداش و کیفر) اثبات می‌کند و در مقابل، ناتوانی ذاتی معبودهای دروغین را در هر دو عرصه به چالش می‌کشد. به نظر آیت الله جوادی آملی این استدلال‌های عقلی با تحلیل تاریخی اقوام پیشین که در همان جغرافیای شناخته شده زندگی می‌کردند، تکمیل می‌شود و از طریق عبرت‌آموزی ملموس، ذهن مخاطب را برای پذیرش حقایق آماده می‌سازد. مؤمن آل فرعون سپس با به‌کارگیری انداز اخروی، با ترسیم گذار از مرگ به حیات اخروی و پیش‌بینی تذکر پسامرگی («فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ

لَكُمْ»، وجدان اخلاقی مخاطبان را بیدار می‌کند. این چهارچوب یکپارچه که هم به عقل و هم به قلب مخاطب متوسل می‌شود، نشان‌دهنده هنر تبلیغی متوازن است که هم از منطق استدلالی برای اقناع ذهنی بهره می‌برد و هم از روش‌های تربیتی برای تأثیرگذاری عاطفی استفاده می‌کند (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۷۰). این الگو که مبتنی بر حکمت قرآنی («أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ») است، امروزه نیز می‌تواند به عنوان چارچوبی برای ارتباطات دینی مؤثر در جوامع مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

۴.۳. رویکرد آخرت محورانه

مؤمن آل فرعون با به‌کارگیری رویکرد آخرت‌محور در روش هدایتی خود، نظامی از تربیت اخروی طراحی می‌کند که مبتنی بر چهار رکن اساسی است: نخست، بازتعریف مفهوم مرگ از رویدادی پایان‌بخش به گذرگاه وجودشناختی (Ontological Threshold) با تأکید بر آیه «إِنَّمَا الْآخِرَةُ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر / ۳۹) که مرگ را نه نیستی، بلکه انتقال به مرحله‌ای پایدار از حیات معرفی می‌کند. دوم، تقابل‌شناسی دوگانه دنیا-آخرت از طریق تحلیل ماهیت فناپذیر متاع دنیوی در مقابل ثبات دارالقرار اخروی، که مبتنی بر هندسه زمانی-مکانی قرآن است. سوم، تاریخ‌نگاری عبرت‌آموز با استناد به سرنوشت اقوام پیشین (نوح، عاد و ثمود) به عنوان الگوهای آزمایشگاهی عینی از سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی. چهارم، پیوند دیالکتیکی اعمال دنیوی و نتایج اخروی که در آن مؤمن آل فرعون با بهره‌گیری از منطق علی-معلولی فرامادی (Transcendental Causal Logic)، رابطه ناگسستگی بین انتخاب‌های اکنون و سرنوشت ابدی را ترسیم می‌کند. این چهارچوب تربیتی-کلامی که همزمان از روش‌شناسی تاریخی، فلسفه اخلاق و معادشناسی قرآنی بهره می‌برد، نشان می‌دهد چگونه می‌توان با فعال‌سازی حافظه جمعی دینی و تصویرسازی آینده‌نگر، مخاطبان را از اسارت در «حال» رها کرده و به تأمل در «آینده ابدی» واداشت. این الگو که امروزه در روانشناسی دین و فلسفه

تعلیم و تربیت اسلامی می‌تواند به عنوان چارچوبی برای طراحی برنامه‌های تربیتی مورد استفاده قرار گیرد، نمونه‌ای بی‌نظیر از تبلیغ دینی فرازمانی است که هم به نیاز عقلانی پاسخ می‌دهد و هم اشتیاق فطری به جاودانگی را هدف می‌گیرد. از منظر آیت الله جوادی آملی مؤمن آل فرعون در روش خود، ضمن برجسته‌سازی حقیقت «آخرت»، کوشید نگاه قوم فرعون را از محدودیت‌های دنیوی فراتر برده و به پیامدهای اخروی اعمالشان توجه دهد. او تصریح می‌کرد که مرگ صرفاً پایانی جسمانی و گودالی تاریک نیست، بلکه پل و گذرگاهی به حیات جاویدان محسوب می‌شود و انسان در ورای این پل، با جزا یا پاداش الهی مواجه خواهد شد (ر.ک: غافر / ۳۹). او با چنین رویکردی می‌خواست قومش دریابد که پیروی کورکورانه از فرعون و دلبستگی صرف به دنیای فانی، چشم‌پوشی از رستگاری ابدی است و اگر گناهی مرتکب شوند، حتی اگر در این دنیا مجازات نشوند، در آن جهان باید پاسخگوی اعمالشان باشند (ر.ک: غافر / ۳۱-۳۴). این تبیین از حیات پس از مرگ، تأکیدی بر مجاز و معبر بودن دنیا دارد و یادآوری می‌کند که «إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر / ۳۹) (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۶۹).

۴. جایگاه اخروی و آخر الزمانی

۱.۴. شهادت مؤمن آل فرعون

آیت الله جوادی آملی براین باور است که مؤمن آل فرعون که از آغاز با تمام توان در جهاد فرهنگی علیه فرعون و قومش ایستاده بود، سرانجام به سبب پافشاری بر ایمان خود و دفاع از نبوت موسی علیه السلام به شهادت رسید، اما همین شهادت نیز بر اساس بیان قرآن و روایات، مصداق «وقایت» الهی بود (غافر / ۴۵) آمده است، خداوند او را از آثار سوء مکر فرعونیان مصون داشت و اجازه نداد که دچار فتنه و انحراف در دین شود (ر.ک: تفسیر قمی، ج. ۲، ص. ۲۵۸). بر این اساس، محفوظماندن مؤمن آل فرعون به معنای بقای جسمانی یا نجات از مرگ نیست، بلکه او در نهایت به والاترین مرتبه حیات رسید و

همانند بسیاری از انبیاء و آمران به معروف که در راه حق به شهادت نائل شدند، در جوار رحمت الهی قرار گرفت (ر.ک: آل عمران/ ۲۱). این مؤمن نستوه مردم را به ابدیت‌نگری فرا می‌خواند و با این بینش بود که از تهدیدهای فرعون نهراسید و پناه به خدا برد. در نهایت، جدیت او در نصیحت قوم و ایستادگی در برابر طغیان دستگاه فرعون به بهای جاننش تمام شد، اما از آنجا که او «قَنْطَرَةَ» بودن مرگ را باور داشت، با شهادت خویش نشانی شد برای آنان که مرگ را پایان نمی‌پندارند و رستگاری حقیقی را در سرای آخرت می‌جویند (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج. ۷۰، ص. ۲۷۲).

۲.۴. قرار داشتن در زمره سابقون و همراهان حضرت مهدی (عج)

در روایات ماثوره از اهل بیت علیهم‌السلام شخصیت‌های برجسته‌ای به‌عنوان یاران و همراهان حضرت مهدی (عج) معرفی شده‌اند که نقش کلیدی در تحقق عدالت و برقراری حکومت وحدت جهانی خواهند داشت. یکی از این شخصیت‌ها، مومن آل فرعون است، که به‌عنوان یکی از یاران خاص حضرت مهدی (عج) شناخته می‌شود. به طوری که وی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان یکی از ۳۱۳ یاران خاص حضرت مهدی (عج) معرفی شده است که در تشکیل حکومت وحدت جهانی نقش کلیدی دارند. و هنگامی که بنیان‌گذار حکومت واحد جهانی، حضرت مهدی موعود (عج) بر اساس عدالت و آزادی واقعی مأمور به تشکیل حکومت می‌شود، این یاران خاص در اطراف شمع وجود مقدس او جمع می‌شوند و به‌عنوان فرماندهان لشکری و کشوری دولت کریمه مهدی (عج) عمل می‌کنند. (عباشی، بی تا، ج. ۲، ص. ۳۲).

نتیجه‌گیری

تحلیل شخصیت و رفتار مؤمن آل فرعون در آثار تفسیری آیت الله جوادی آملی، نشان می‌دهد که وی الگویی کم‌نظیر از ایمان عمیق، عقلانیت پویا، و تعهد اجتماعی است که می‌تواند برای نسل‌های گوناگون، به‌ویژه در شرایط دشوار و تحت سلطه استبداد، الهام‌بخش باشد. او با قرارگرفتن در کانون قدرت فرعون و در عین حال حفظ ایمان خود به خداوند و پیامبران الهی، موفق شد ضمن

رعایت تقیه‌ی حکیمانه، از جایگاه اجتماعی خویش برای دفاع از حق و برانگیختن وجدان عمومی بهره‌برد. ویژگی‌های اخلاقی و فکری این شخصیت از جمله شجاعت در بیان حقیقت، استفاده از استدلال عقلانی، نگاه عمیق به آخرت، و دلسوزی برای هدایت قوم، نشان‌دهنده تعادل میان ایمان و عقل، میان تواضع و مسئولیت‌پذیری، و نیز میان پنهان‌کاری مصلحت‌آمیز و افشای شجاعانه حقیقت است. از بررسی سیر رفتاری مؤمن آل فرعون بر می‌آید که او همواره تلاش داشت تا فضای گفت‌وگو و مناظره‌ای سازنده را جایگزین خشونت علیه پیامبر الهی کند؛ نگاهی که اگر امروز نیز در مواجهه با اختلاف‌نظرهای فکری و عقیدتی به‌کار گرفته شود، می‌تواند به گفت‌وگوی سازنده و پرهیز از تقابلهای منفی بیانجامد. افزون بر این، سیره او حاوی این پیام مهم است که: حتی یک فرد می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، جریان غالب را به چالش بکشد و سرنوشت یک قوم را تغییر دهد؛ به‌ویژه اگر از ایمان ریشه‌دار، منطق استوار، و درکی عمیق از واقعیات اجتماعی بهره‌مند باشد برجستگی کنش‌های مؤمن آل فرعون در میدان مبارزه با طغیان فرعون، در کنار توصیه او به توبه و توجه به آخرت، بیانگر هم‌زمانی «برهان» و «موعظه» در مسیر هدایت است؛ رویکردی که در آن، دعوت به حقیقت با تکیه بر عقل، احساس و وجدان انسانی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، شهادت این مؤمن نستوه، نه تنها مانعی برای ادامه رسالت او نشد، بلکه شهادتش از نگاه قرآن مصداق «وقایت» الهی تلقی گردید؛ حضوری ماندگار که در روایات، با پیش‌بینی رجعت و همراهی او با حضرت مهدی (عج) تکمیل می‌شود و بر عظمت جایگاه اخروی وی مهر تأیید می‌زند. در مجموع، مؤمن آل فرعون نمونه‌ای جامع از انسانی است که در پرتو ایمان خالص و هوشمندی عملی، در برابر ظلم و فساد ایستادگی می‌کند و با پیوند دادن بینش توحیدی و وظیفه اجتماعی، الگویی تمام‌عیار از رهبری اخلاقی و مسئولانه ارائه می‌دهد. این الگو، برای جهان معاصر که همچنان از معضل قدرت‌های خودکامه و بحران‌های اخلاقی رنج می‌برد، پیامی روشن دارد: ایمان عمیق و خردورزی، توأم با تعهد اجتماعی و شجاعت اخلاقی، می‌تواند عامل شکل‌گیری و تثبیت اصلاحات پایدار باشد.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). آمالی. تهران: کتابچی.

اعلانی، سید علاءالدین (۱۳۸۶). «تاریخ در آینه قرآن (۲)». رشد آموزش قرآن، ش ۱۶، ص ۳۲-۳۵.
جعفری، یعقوب (۱۳۹۴). «مردی که از دورترین نقطه‌ی شهر آمد». درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۶۵۳، ص ۲۲-۲۸.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). شریعت در آینه معرفت. ویراستار و تهیه‌کننده فهرست: حجه‌الاسلام حمید پارسانیا. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

_____ (۱۴۰۲). تسنیم، تفسیر قرآن کریم، جلد ۷۰ (تفسیر سوره مبارکه غافر و سوره فصلت [آیات ۱-۳۳]). تنظیم: علیجان کریمی، روح‌الله رزقی شهرودی و سعید بندعلی. قم: مرکز نشر اسراء.

حراعلمی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات. بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.

خزعل، جاسم و احمد (۲۰۱۴). «فقه التفویض فی قصه مؤمن آل فرعون». الجامعه العراقیه، ش ۳۲، ج ۳، ص ۸۷-۱۰۸.

الخطیب، عبدالکریم (۲۰۰۵). «مؤمن آل فرعون». الوعي الاسلامی، ش ۲۶۳، ص ۵۳-۵۹.

رجب، مصطفی (۲۰۰۵). «تربیت در قصه مؤمن آل فرعون». الوعي الاسلامی، ش ۴۶۰، ص ۵۶-۵۹.
سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۳). «سرگذشت پیامبران/وحشت از نفوذ آیین توحید». درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۱۲، ص ۷-۱۹.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ق). مجمع‌البیان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عیاشی، محمد بن مسعود. تفسیر العیاشی. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.

فرح‌اللهی فر (۱۳۸۸). «آینه عبرت (۲۶): بنی اسرائیل در انتظار موسی علیه السلام». درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۱۲، ص ۳۴-۴۲.

فروزان‌فر و خطیبی (۲۰۰۱). «السمات الأسلوبیه فی قصه مؤمن آل فرعون». آداب الکوفه، ش ۳۹، ص ۴۳۳-۴۵۲.

قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹). نفس‌المهموم. قم: ذوی‌القربی.

- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م). بحار الأنوار (چاپ سوم مصحح). به کوشش سید ابراهیم المیانجی و محمدباقر البهودی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۳۶۲). بحار الأنوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۸۴). حياه القلوب. قم: سرور.
- محلّاتی، ذبیح‌الله. ریاحین الشریعه (در ترجمه بانوان دانشمند شیعه). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مشایخ، فاطمه (۱۳۸۱). قصص الأنبياء. تهران: فرحان.
- مقدس، مطهر بن طاهر. البدء والتاریخ. بی‌جا: مکتبه الثقافه الدینیّه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال.